

چگونگی نگارش و حرکت‌گذاری عربی در آموزش زبان فارسی

محمد حسن تقیه^۱

چکیده

یکی از مشکلات و چالش‌های پیش روی زبان آموزان در زبان فارسی، نگارش کلمه‌ها و عبارت‌های عربی در نوشته‌ها و متون فارسی است. این موضوع به دو گونه میان ما نمود پیدا می‌کند: الف- کلمه‌های عربی دخیل ب- کلمه‌ها و عبارت‌های عربی مانند آیه‌های قرآن کریم، حدیث‌های پیامبر(ص)، سخنان امامان (ع) و بزرگان دین، نوشته‌های به نثر و شعر.

البته هدف پژوهشگر در این مقاله نوع دوم است زیرا به نظر می‌رسد برخی اصحاب فرهنگ و هنر نتوانسته‌اند کلمه یا متن عربی نوع دوم را در زبان فارسی درست بنویسند و یا صحیح حرکت‌گذاری کنند. نمونهٔ پرکاربرد آن عبارت «إن شاء الله» است که به نادرستی «إنشا الله» نوشته می‌شود. بنا بر این، نگارنده در این مقاله، بنا دارد با آوردن نمونه‌ها و مثال‌های فراوان، درست‌نویسی کلمه‌ها و حرکت‌گذاری روشمند و استاندارد متون عربی را به زبان‌آموزان فارسی آموزش دهد. البته در آغاز به بیان چارچوب و قواعد درست آنها خواهد پرداخت. سپس مهم‌ترین اشکال‌ها و ایرادهای نگارشی، از جمله همزه نویسی، نگارش الف و تاء و ... و حرکت‌گذاری رایج در نوشتارهای مجازی و حقیقی را نیز به چالش می‌کشد.

باید پذیریم ناتوانی در این موضوع، پیامدهای سنگینی برای زبان مقصد در پی داشته و دارد. در این نوشتار به روشنی نشان داده خواهد شد هر کس که نتواند متون عربی را روشمند حرکت‌گذاری کند و درست بنویسد، بی‌تردید نخواهد توانست آنها را نیز درست و روان بخواند و بفهمد.

نتیجهٔ این گفتار آن است که راه‌کارهای درست نویسی و صحیح حرکت‌گذاری متون عربی، عبارتند از آموزش، روشمند کردن و رهایی از روش اشتباه گذشتگانی که طی قرون پیاپی به طور عمده از سوی کاتبان، منشیان و دبیران، پیش روی ما گذارده شده است.

کلیدواژه‌ها: نگارش عربی، رسم خط، متون عربی، درست نویسی، آموزش زبان فارسی.

۱. استادیار گروه زبان عربی دانشگاه پیام نور تهران. mhtaqiyeh@gmail.com

■ تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۷

■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۴

۱ - مقدمه

زبان عربی از دید نوشتاری و حرکت‌گذاری در زمره سخت‌ترین زبان‌های جهان است. درست‌نویسی و حرکت‌گذاری روشمند نیز از بخش‌های سخت زبان عربی به شمار می‌رود. یک ناهنجاری بازمانده از روزگاران کهن در نگارش کنونی متون عربی این است که برخلاف دیگر زبان‌های دنیا که به درست‌نویسی و حرکت‌گذاری صحیح متون توجه ویژه‌ای می‌شود بسیاری از اصحاب فرهنگ و هنر از جمله خطاطان و نویسندگان در جامعه ما روش درست را بر نمی‌تابند و برخی دیگر روش‌های اشتباه پیشینیان را در پیش می‌گیرند.

آنچه ما در ادامه این نوشته، خواهیم آورد تنها تلنگری برای هشدار است تا خطاطان، پژوهشگران و اهل قلم به اهمیت کار خود و تاثیر بسیار شگرف آن بر خوانندگان پی‌ببرند. نخست درباره آنچه می‌خواهند در نوشته‌های خود به کار گیرند چند بار بیندیشند سپس آنها را بر روی کاغذ بیاورند.

با بررسی متون گوناگون نوشتاری و حتی گفتاری عربی، بارها به کلمه‌ها، جمله‌ها و عبارات‌های عربی‌ای برمی‌خوریم که اصول نگارش و دستور زبان عربی در آنها رعایت نشده است. البته بجاست بدین نکته اساسی نیز اشاره شود که کمبود یا نبود منبع یا مرجعی در زمینه درست‌نویسی و حرکت‌گذاری متون عربی مخاطب را به دردسر می‌اندازد؛ زیرا برای بهره‌گیری بهینه از متون خود، سردرگم می‌شود. در نتیجه از بار علمی نوشتار می‌کاهد؛ بنابراین یک مشکل و چالش بنیادین پیش روی زبان‌آموزان فارسی کلمه‌ها و عبارات‌های عربی است که در نوشتار و متون فارسی به دو گونه نمود پیدا می‌کند: الف- کلمه‌های دخیل مانند «مسأله، مسؤول، هیئة و ...» ب- کلمه‌ها و عبارات‌های عربی مانند آیه، حدیث، نثر و شعر است که نویسندگان یا شاعران برای استاد، ارجاع، اقتباس و ... بنا بر مقتضای حال از آنها بهره می‌گیرند.

هدف پژوهشگر در این مقاله نوع دوم است زیرا بسیار دیده شده است که آنها نتوانسته‌اند عبارت یا متن عربی نوع دوم را در زبان فارسی درست بنویسند و یا صحیح حرکت‌گذاری کنند؛ بنابراین، می‌کوشد روش درست‌نویسی و حرکت‌گذاری درست را به فارسی‌زبانان آموزش دهد تا بتوانند از متون فارسی خود به گونه‌ای دلنشین و زیبا بهره‌جویند؛ البته در این میان به مهم‌ترین ایرادهای رایج در نوشتارهای مجازی و حقیقی نیز اشاره می‌کند.

گاهی برای نگارش اثری ارزشمند و نفیس مانند قرآن کریم سال‌ها زمان و وقت صرف شده و میلیاردها ریال هزینه می‌شود ولی املا و حرکت گذاری آن برابر با معیارها و استانداردهای روز زبان عربی نیست. بی‌گمان در این میان از ارزش آن اثر گرانبها بسیار کاسته خواهد شد.

برای روشن شدن ذهن مخاطب در این زمینه و پیش از ورود به اصل موضوع مقاله، بایست به یک نکته تأسف آور و بسیار نگران کننده اشاره کرد. آیا تاکنون اندیشیده‌اید چرا نسل امروز به متون دینی - بویژه قرآن کریم - کمتر توجه دارد؟ به نظر می‌رسد یک علت مهم آن - با توجه به تجربه‌های آموزنده و گفتگوهای بی‌رودربایستی با این نسل بویژه قشر دانشگاهی - ایجاد قواعد و سبک‌های سخت، خودساخته، ناسودمند و بی‌مورد برای این گونه متن‌هاست.

شاید پرسیده شود رعایت نکات گفته شده در این مقاله چه تأثیر و فایده‌ای برای مخاطب فارسی‌زبان یا فراگیرنده زبان فارسی دارد. باید پذیریم درست‌نویسی کلمه‌ها و حرکت گذاری روشمند متون عربی خواننده را به سوی استفاده بهینه از آن متن می‌کشاند و نهایتاً بر وی تأثیر مثبت شگرفی خواهد گذاشت. هرچند برای جهانیان - بویژه برای ما فارسی‌زبان‌ها - رعایت سبک نگارش، خواندن و حرکت گذاری متون زبان عربی سخت به نظر می‌رسد ولی باید دنبال راهکار و راه برون‌رفتی بود تا زمینه‌های روان‌نویسی و روان‌خوانی را پدید آورد.

برخی بر این باورند که لفظ باید تنها بر معنی دلالت کند و آنگاه که مخاطب، مراد ما را درمی‌یابد چه تفاوتی دارد که «إن شاء الله» را به شکل «انشا الله» بگوییم و بنویسیم! پاسخ بسیار روشن است. اگر ما «خواهر» را «خاهر» بنویسیم و یا «خَوَاهر» بخوانیم تفاوتی ندارد؟

نگارش خط فارسی برای فارسی‌آموزان بیگانه و حتی نوآموزان فارسی زبان، مشکل ولی خواندن آن برای آنها مشکل‌تر است. زیرا نبود علائم آوایی و رسم خط، الزامی نبودن فاصله‌گذاری میان واژگان و سرهم نویسی‌های بی‌برنامه و نادرست بر روان‌نخوانی متون زبان فارسی افزوده است. در این میان هر چند نگارش خط عربی سخت به نظر می‌رسد اما خواندنش آسان خواهد بود زیرا اگر متن عربی روشمند و علمی حرکت گذاری شود مخاطب فارسی زبان با مشکل کمتری روبرو خواهد شد.

برای این که آیه‌های قرآن کریم، حدیث‌های پیامبر (ص) و امامان (ع) و گفتار بزرگان دین، نثر

و شعر عربی را درست بنویسیم و صحیح حرکت گذاری کنیم، چنین راه کارهایی وجود دارد: آموزش بهینه دست اندرکاران، روشمند کردن داده‌ها و رهایی از روش اشتباه گذشتگانی که در گذر قرن‌های پیاپی به طور کلی از سوی کاتبان، دبیران، منشیان و ... پیش روی ما گذارده شده است. باید پذیرفت که اگر فارسی زبانان دچار اشتباه نویسی، غلط املائی و بد حرکت گذاری می‌شوند به دلیل مواردی همچون پیچیده و سخت بودن قواعد املا نویسی، ساختار صرفی و نحوی زبان عربی، نبود روش علمی و آکادمیک و آموزش ندیدن دست اندرکاران است. نادیده گرفتن موضوع‌های گفته شده، زبان فارسی را آسیب‌پذیر خواهد کرد. بنابراین برای پیشگیری از چنین رویداد نابهنجاری باید در پی راهکاری بود.

در گذشته که دانش آنچنان پیشرفته نبود نویسندگان و خطاطان برای سرعت در کار و صرفه‌جویی در جوهر و کار، کلمه‌ها را به یکدیگر می‌چسبانند و فاصله‌های بسیار کمی را میان واژگان و سطرها در نظر می‌گرفتند. ولی امروزه که پیشرفت علمی جهان شگفت‌آور است پیروی از روش نادرست پیشینیان اشتباه بزرگی است که حتی به زبان شیرین فارسی نیز آسیب رسانده و می‌رساند. بنابراین هدف اصلی این پژوهشگر از ارائه شیوه درست نگاری و صحیح حرکت گذاری، آسان نمودن نوشتن و خواندن، دریافت واژگان و فهمیدن متون عربی دخیل در زبان فارسی است.

۲ - چگونه درست و روشمند بنویسیم؟

هر فردی، پس از گذشت سال‌های خردسالی، در جست‌وجوی خواندن و نوشتن برمی‌آید و در پی آن است که به نیاز روحی و روانی خود پاسخ دهد. اگر کارشناسان و برگزیدگان جامعه به وی راهکار بجا و بهینه نشان ندهند و او نیز درست راهنمایی نگردد موجب یادگیری غلط و درپیش‌گرفتن روشهای خیالی می‌شود. بی‌گمان آنچه در جامعه امروزی کشورمان دیده می‌شود بازخورد همین درست راهنمایی نشدن، کژتابی‌ها و آموزش ندیدن‌هاست.

برخی بدون شناختن زبان‌های عربی و فارسی، با روشهای نابجای خود سبب رایج شدن و جاافتادن کاربردهای نادرست بسیاری از واژگان، ترکیب‌ها و عبارتها در میان فارسی زبانان می‌شوند. تنها بدین نمونه بسنده می‌شود که هیچ عرب زبانی «باسمه تعالی، علی حدة، عن قریب، من جمله، من باب، مع هذا و إن شاء الله» را مانند ایرانیان در متون رسمی و ادبی خود «بسمه تعالی،

علیحده، عنقریب، منجمله، منباب، معهدا و انشا الله» نمی‌نویسد.

بی‌گمان هر یک از ما برای برقراری ارتباطی درست با دیگران، نیازمندیم تا از بهترین و درست‌ترین شکل انتقال پیام در زبان گفتار و نوشتار بهره ببریم. ولی گاهی در این زمینه به دلایل گوناگون اشتباهاتی رخ می‌دهد که ما را در رسیدن به هدف خود دچار مشکل می‌کند. مثلاً سرهم نویسی برخی حروف از دید علمی هیچ دلیل زبان‌شناسی یا آواشناسی ندارد بلکه تنها نمایش سلیقه شخصی است. البته باید بدین نکته نیز اشاره شود که قلمرو زبان همانند قلمرو جغرافیاست. همان‌گونه که جهانگرد بیگانه باید قانون کشور مقصد را محترم بشمارد، واژه دخیل نیز ناگزیر به پیروی از دستور زبان دوم - به شرط روشمند بودن و داشتن ساختار- است.

در این نوشتار تلاش بر آن است تا با بهره‌گیری از روشی علمی - دانشگاهی، برخی از پرکاربردترین شیوه‌های درست‌نویسی متون عربی - بویژه متون دینی - به زبان آموزان فارسی و خوانندگان گرامی آموزش داده شود. همچنین به بسیاری از اشتباه‌های رایج زبانی، پیچیده نویسی، تکیه کلام‌های زائد، ابهام‌ها و کژتابی‌ها، غلط‌های املائی، درست‌نویسی حروف از جمله همزه، الف، تاء و ... اشاره گردد. بی‌تردید تجربه نشان داده است هر کس نتواند متن عربی را درست بنویسد، نخواهد توانست آن را نیز درست و روان بخواند و بفهمد.

غلط‌های نگارشی، املائی و حرکت‌گذاری نادرست به شخص یا نهاد ویژه‌ای بر نمی‌گردد؛ بلکه به ساختار اشتباه و نظام ناروشمند علمی و آموزشی گره خورده است که به دلیل کارشناسی ناآزموده و نامتخصص چنین موضوع مهمی، به‌درستی پایه‌ریزی نشده است.

البته از آنجا که رسم خط پیشنهادی فرهنگستان محترم زبان و ادب فارسی ویژه زبان فارسی است و رسم خط ارائه شده در این مقاله عربی است، طرح موضوع هیچ ارتباطی به رسم خط فارسی ندارد زیرا قصد نویسنده مقاله، متون عربی در نوشتارهای فارسی است و کلمه‌های عربی فارسی شده نیست. مثلاً اگر در کتاب یا مقاله‌ای آیه، حدیث، نثر و نظم عربی وجود دارد و بناست ویراستاری گردد باید بنا بر ساختار این مقاله باشد.

در این میان برخی از این اشتباه‌ها و غلط‌ها در نامه نگاری‌های اداری از تیررس انتقادات

پنهان می‌ماند و برخی دیگر روی دیوارها قاب می‌شود و جامعه - حتی دانشگاهیان - نیز، بی‌توجه از کنار آنها می‌گذرند. مثلاً کاربرد حرف «أل»، معضل بزرگی است که بسیاری آن را رعایت نمی‌کنند. هر روز در رسانه‌ها اصطلاح‌هایی مانند «ممنوع الکاف، ممنوع الملاقات، ممنوع التصوير و ...» را می‌بینید و می‌شنوید. چقدر گوش خراش و سخت کاربرد است! در صورتی که به راحتی می‌توان با حذف «أل» و جابجایی ترکیب، از آنها کار ممنوع، ملاقات ممنوع، تصویر ممنوع و ... اصطلاح‌های دلنشین و روانی ساخت.

شاید مخاطب محترم با نگارنده هم عقیده باشد که حرف «أل» یک دردسر شگفت آوری برای فارسی زبانان شده است. برخی آن را ذکر و برخی آن را حذف می‌کنند. بی‌تردید مخاطب سردرگم است که آیا اسم خاص باید با «أل» بیاید یا نیاید؟ در رسانه‌های دیداری و شنیداری دیده یا شنیده‌اید که گاهی البرادعی، الشَّباب، الجعفری، المالکی و ... دگر بار برادعی، شباب، جعفری، مالکی و ... گفته می‌شود. بی‌گمان این سردرگمی همه را کلافه کرده است. در صورتی که باید «ال» - بجز موارد نادر - از ابتدای اسم خاص (مفرد، مرکب، لقب و کنیه) حذف شود، مانند: البرادعی ← برادعی، المَدینة ← مدینه، الصَّادق ← صادق، البَاقِر ← باقر، الشَّرْق الأوسط ← شرق اوسط، إخوان المسلمین ← إخوان مسلمون، الشَّباب ← شباب. چه بسیار شنیده‌ایم که نام تیم‌های ورزشی عربی را با همان «أل» می‌آورند: تیم الغرافة، الاتحاد، الشَّباب؛ اگر رسانه‌های عربی را ملاحظه کنید، مثلاً تیم استقلال را الاستقلال می‌خوانند و می‌نویسند زیرا در زبان عربی باید «أل» بیاید. ولی ما به خاطر آموزش ندیدن همان شیوه نادرست را می‌آوریم. البته گاهی برخی اسم‌های خاص به شکل معدود، بنا به ضرورت و به ندرت با «أل» می‌آیند، مانند: «الله، الکتاب (نام کتاب سیبویه)».

۲-۱- درباره حروفی که نوشته می‌شوند ولی خوانده نمی‌شوند:

پیش از این اشاره شد که رعایت نکته‌های درست‌نویسی و حرکت‌گذاری روشمند کمک می‌کند تا بتوان به آسانی با مخاطب ارتباط برقرار کرد و موجب سادگی و روان خوانی متن می‌شود. همچنان که از دوگانگی و سردرگمی خواننده آن جلوگیری می‌نماید. پس آشنایی با نوشته شدن یا نشدن حروف و همچنین خوانده شدن یا نشدن آنها کمک شایانی به درست خوانی و صحیح نویسی متن می‌کند؛ زیرا شیوه‌های نوشتار واژگان نقش مهم و به‌سزایی در فهم و درک متون عربی دارد.

باید دانست که بنا بر بهترین و درست‌ترین دیدگاه، «حروف هجاء یا الفباء» در زبان عربی ۲۹ حرفند که با «همزه» آغاز، و به «یاء» پایان می‌پذیرد. برخی از حروف عربی نوشته می‌شود ولی به دلیلی خوانده نمی‌شود. از جمله این حروف، «الف» است:

۱- باید الف «فارقة» در فعل پس از ضمیر متصلِ رفعی «واو» جمع، نوشته شود؛ مانند: «ذَهَبُوا». هرچند این «الف» می‌تواند در مشتقات آن بیاید یا نیاید: «جَاءَ سَاكِنُو (سَاكِنُوا) الدَّارِ». البته به شرط این که پس از ضمیر واو، ضمیر متصل نصبی نیامده باشد، مانند: «كَتَبُوا +ها = كَتَبُوها». اگر ضمیر متصل نصبی آمده باشد نباید «الف» پس از ضمیر «واو» بیاید.

۲- نشانه تنوین نصب به روش‌های زیر می‌آید:

الف - بر روی حرف آخر کلمه و پیش از «الف» مقصور می‌آید، مانند: «رَأَيْتُ رَجُلًا، هَذِهِ رَجُلِي وَ عَصًا».

ب - اگر آن اسم، ممدود و یا مونث با «ة» گرد باشد تنوین نصب نیازی به «الف» ندارد و نشانه تنوین نصب بر روی حرف آخر اسم گرد می‌آید؛ مانند: «مَدْرَسَةٌ ← مَدْرَسَةٌ، اِئْتِدَاءٌ ← اِئْتِدَاءٌ» و گرنه پس از تنوین نصب «الف» می‌آید، مانند: «جُرْءٌ ← جُرْءًا».

۳- همزه وصل در میان جمله و کلام می‌آید، مانند: «يا رَجُلُ اجْلِسْ».

نکته بسیار مهم: با بررسی و ملاحظه متون عربی، اشتباه فاحشی دیده می‌شود که تنوین نصب را یا روی «الف» می‌گذارند، مانند: «کتاباً، سبیلًا، هُدًى». یا پس از الف، مانند: «کتاباء سبیلاء هُدًى». بنا بر این درست، دقیق و علمی آن این است که تنوین نصب پیش از «الف» گذاشته شود، مانند: «کتاباً، سبیلًا، هُدًى».

۲-۲- افزایش یا حذف حروف

زبان آموز فارسی باید نیک بداند گاهی در زبان عربی به خاطر رعایت قوانین صرفی و نحوی حرفی به کلمه افزوده یا از آن کاسته می‌شود. مثلاً حرف زاید «واو» در موارد زیر نوشته می‌شود ولی خوانده نمی‌شود:

۱- واو «عَمْرُو» در دو حالت رفعی و جرّی نوشته می‌شود تا از کلمه «عَمْر» قابل تشخیص باشد

ولی در حالت نصبی نوشته نمی‌شود، در نتیجه خوانده هم نمی‌شود؛ مانند: «جاءَ عَمْرُو، رأيتَ عَمْرًا،

مَرَرْتُ بَعْمَرٍ» زیرا «عُمَر» غیر منصرف است. لذا در حالت نصبی واو «عَمَر» حذف می‌شود زیرا «عَمَر» در حالت نصبی به «الف» نیاز ندارد پس به راحتی در حالت نصب قابل تشخیص است، مانند: «زُرت صدیقی عَمَرًا فی الجامعة» که «عَمَرًا» درست نیست.

۲ - «أُولُو، أُولَات» به معنای صاحبان.

۳ - اسم‌های اشاره: «أُولَاءِ، أُولَى، أَوْلَیْكَ».

۴ - «الف» «مِائَة» در مفرد و مثنی: «مِائَة، مِائَتَانِ» زائد است ولی در جمع «الف» آن زائد نیست، مانند: «مِائَات».

«الف» در موارد زیر حذف می‌شود:

۱ - باید «الف» در اسم جلاله (الْإِلَاه ← اللَّهُ)، اسم‌های «هَذَا ← هَذَا، هَذِهِ ← هَذِهِ، هَؤُلَاءِ ← هَؤُلَاءِ، ذَلِكَ ← ذَلِكَ، هَاهُنَا ← هَاهُنَا، هَاكَذَا ← هَاكَذَا، أَوْلَیْكَ ← أَوْلَیْكَ، لَکِنْ ← لَکِنْ» و از «ما»ی پرسشی پس از حرف جر، مانند «إِلَام؟ = تا به کی؟ (در اصل إلی ما؟)، حَتَّام؟ = تا چند؟ (در اصل حَتَّی ما؟)، عَلَام؟ = برای چه؟ چرا؟ (در اصل عَلَی ما؟)» حذف شود.

۲ - «الف» در این موارد می‌تواند حذف شود یا نشود: «إِبْرَاهِیمَ وِ إِبْرَاهِیمَ، إِسْحَاقَ وِ إِسْحَاقَ، إِسْمَاعِیلَ وِ إِسْمَاعِیلَ، هَزُونُ وِ هَزُونِ، سُلَیْمَانَ وِ سُلَیْمَانَ، أَلرَّحْمَنَ وِ أَلرَّحْمَانَ، أَلسَّمَوَاتِ وِ أَلسَّمَوَاتِ، أَلْمَلِئِکَةِ وِ أَلْمَلِئِکَةِ، ثَلَثَ وِ ثَلَاثَ، ثَلْثُونَ وِ ثَلَاثُونَ».

۳ - اگر «الف» پیش از دو «واو» بیاید به شرط اینکه «واو» نخست مضموم باشد می‌توان دومین «واو» را از میان کلمه حذف کرد: «دَاوُد ← دَاوُد، طَاوُوس ← طَاوُوس».

۲ - ۳ - جسبیدن پیشوندها

در موارد زیر حروف به کلمه پیش یا پس از خود می‌جسبند:

۱ - «أل» و کلمه‌های تک حرفی مانند حروف معانی «لام، یاء» و موارد مشابه که از نظر نوشتن به پس از خود متصل می‌شود؛ مانند: «أَلْ + مَهْدِی ← أَلْمَهْدِی، لَ + حَسَنِ ← لِحَسَنِ، یَ + کُتِبُ ← یُکْتُبُ».

۲ - حرف «ما» که به کلمه پیش از خودش متصل می‌شود؛ مانند: «کَانَ + مَا ← کَانَمَا، لَیْتَّ + مَا ← لَیْتَمَا، کُلَّ + مَا ← کُلَّمَا».

۳ - اسم «ما» که به سه حرف «مِن، عَن، فِی» می‌پیوندد با تبدیل نون به «میم» و ادغام در حرف

بعدی به گونه: «مِنْ + مَا ← مِمَّ + مَا = مِمَّا، عِنْ + مَا ← عَمَّ + مَا = عَمَّا، فِي + مَا = فِيمَا» نوشته می شود و گرنه «مَا» جدا نوشته می شود، مانند: «إِنَّ مَا تَقُولُهُ صَحِيحٌ = قطعاً عقیده و باورت درست است».

۴ - حرف مصدری «أَنْ» به «لَا» می چسبد: «لَا + أَنْ + لَا ← لِأَنَّ ← لِئَلَّا ← لِئَلَّا»، مانند: «عَاقَبْتُ أَلْسَفِيَةَ لِئَلَّا يَظُنَّ أَنَّهُ حَكِيمٌ».

۵ - «إِذْ»، مضاف الیه اسم زمان بیاید: «حِينَ + إِذْ ← حِينَئِذٍ، سَاعَةً + إِذْ ← سَاعَتَيْذٍ».

۶ - ضمائر متصل، مانند: «قَرَأْتُ كِتَابَكَ».

۲ - ۴ - روش نگارش «الف و تاء» مؤنث

نظر به این که «الف» به دو گونه (ا، ی) نوشته می شود، نوع نوشتن آن سردرگمی مخاطب را در پی دارد. به نظر می رسد وی ناگزیر است به هنگام نوشتن، موارد ذیل را رعایت نماید:

۱ - اگر «الف» در آخر و در مرتبه سوم قرار گیرد و مقلوب از «واو» باشد به صورت «الف» نوشته می شود: «أَلْعَصَا وَ عَزَا».

۲ - و گرنه حرف «الف» به صورت یاء نوشته می شود به شرط این که پیش از الف، یاء باشد: «أَلْدُنْيَا، أَلْعُلْيَا، يَحْيَا».

هم چنین با توجه به این که حرف تاء به دو گونه (ة، ت) نوشته می شود، مخاطب به هنگام نوشتن آن سردرگم می شود. بنا بر این بهتر است به موردهای زیر دقت شود:

۱ - اگر تاء تأنیث به آخر فعل بچسبد به صورت کشیده (ت) نوشته می شود: «قَامَتْ» که به آن «مبسوطه = کشیده» گویند.

۲ - اگر تاء تأنیث آخر اسم مفرد بیاید به صورت «ة» گرد نوشته می شود: «الصَّالِحَةُ، قَائِمَةٌ، تَمَرَةٌ» که به آن تاء «مربوطه = گره خورده» گویند. ولی اگر اسم، جمع مؤنث سالم باشد به صورت کشیده «مبسوطه» می آید؛ مانند: «ظُلُمَاتٌ، النَّمْرَاتُ، الصَّالِحَاتُ» ولی اگر جمع مکسر باشد به شکل «ة» گرد می آید؛ مانند: «قُضَاةٌ، رُمَاةٌ».

۳ - روش همزه نویسی

به جرات می توان گفت که مهم ترین و چالشی ترین مشکل فارسی زبانان برای نگارش متون

عربی موضوع همزه نویسی واژگان و اصطلاحات عربی است. بنا بر این کمتر متنی به زبان عربی را پیدا می‌کنید که در آن، روش درست همزه نویسی رعایت شده باشد. زیرا تاکنون چارچوب و معیار خاصی برای نویسندگان، منشیان، خطاطان و... گزارده نشده است. بنا بر این باید گفت متأسفانه تاکنون آموزش لازم به آنها داده نشده و مورد بی‌توجهی دست اندرکاران نیز قرار گرفته است. نبود آموزش و چارچوب ویژه، موجب شده است که بیشتر نویسندگان، مؤلفان و... روش تقلیدی، سنتی و نادرست را در پیش بگیرند که امروز سردرگمی مخاطب را در دریافت معنی و مفهوم برخی کلمه‌ها در پی داشته است.

روش درست و استاندارد همزه نویسی روز زبان عربی در پی می‌آید تا پس از این شاهد نابسامانی و چندگانگی در نوشتن این حرف نباشیم.

۳-۱- فرق «الف» و «همزه»

نخست لازم است تفاوت «الف و همزه» روشن گردد تا به هنگام همزه نویسی دچار اشتباه

نشویم:

۱- هیچ‌گاه «الف» آغاز کلمه نمی‌آید. بنا بر این آن چه که در آغاز کلمه می‌آید «همزه» است. هر چند «همزه» میان و پایان کلمه نیز قرار می‌گیرد، مانند: «أَمَّا، الَّذِينَ، آمَنُوا، أَسْتَوَى، الْحَقُّ، أَشْجُدُوا، أَيْتَدَاءُ، سَأَلَ، قَرَأَ، سَأَلْتُ، سُوءَ». ولی «الف»، تنها در میان و پایان کلمه می‌آید، مانند: «مُوسَى، صَاعِقَةَ، نَرَى، بَعَثْنَا، بَابٌ، حَتَّى، أَدْنَى، أَرَى، دُنْيَا».

۲- «همزه» حرکت می‌پذیرد ولی «الف» حرکت نمی‌پذیرد، مانند: «سَأَلْتُمْ، هَادُوا، مِثَاقٌ، خَاسِئِينَ، مَوْتَى، أَيَّامًا، بَدَأَ» پس «الف» همیشه ساکن است و از این جهت هیچ‌گاه آغاز کلمه نمی‌آید. زیرا هرگز در زبان عربی کلمه با ساکن آغاز نمی‌گردد. البته تفاوت‌های دیگری دارند که بیرون از این بحث است.

۳-۲- همزه نویسی

همزه در زبان عربی به چهار شکل می‌آید:

الف - بدون کرسی و به صورت: (ء)؛ مانند: «سَوَاءٌ، النَّسَاءُ، جَاءَ».

ب - با کرسی الف، (أ، أُ، إ)؛ مانند: «أَصْأَتْ، إِبْلِيسُ، أَنْاسٌ».

ج- با کرسی یاء (ئ): مانند: «جِئْتِ، أَوْلَيْتِكَ، قُرَيْئٍ».

د- با کرسی واو (ؤ): مانند: «هُؤَلَاءِ، يَوْمِئُونِ، لَوْلُؤًا».

۱- هرگاه «همزه» آغاز کلمه بیاید با کرسی «الف» نوشته می‌شود: «إِيْمَانٌ ← إِيْمَانٌ، أَنْمَلَةٌ = سر انگشت، إصْبَعٌ = انگشت، مَرَّ ← مَرَّ».

نکته: هرگاه کلمه‌ای با حرف «أل» شروع شود و لام بر سر آن بیاید همزه وصل حذف می‌شود:

«الرَّجُلُ ← ل + الرَّجُلُ ← لِلرَّجُلِ»

۲- هرگاه همزه ساکن میان کلمه قرارگیرد با توجه به حرکت پیش از خودش نوشته می‌شود:

«لُؤْمٌ، ذَنْبٌ، رَأْسٌ».

نکته: اگر همزه مقلوب پس از همزه وصل بیاید و در میان جمله به صورت اصلی در آمده باشد

«همزه» به صورت حرف مقلوب نوشته می‌شود. یعنی در «بَارِجُلٌ أَيْدَانٌ ← ای مرد اجازه بده». به

شکل الف، «قُلْتُ: آيْتٌ» به شکل یاء و در «هَذَا الَّذِي أَوْثَمْتُ عَلَيْهِ» به شکل «واو» نوشته می‌شود.

۳- هرگاه همزه حرکت دار میان کلمه بیاید و پیش از آن نیز حرکت داشته باشد با توجه به

حرکت خود همزه، نوشته می‌شود: «سَأَلٌ» و «سَيِّمٌ ← بیزار شد» و «لَوْمٌ ← خسیس شد».

نکته: اما اگر همزه مفتوح پس از ضمّه، کسره و یا «الف» بیاید در این صورت با توجه به حرف

مناسب پیش از خود نوشته می‌شود: «مَأَبٌ = محل بازگشت، مَوْنٌ = جمع مؤنثه = هزینه، فَيْتَةٌ =

گروه» و اگر حروف مدّی غیر از «الف» پس از «همزه» آمده باشد با توجه به حرکت خود همزه

نوشته می‌شود: «رَوْوُفٌ = مهربان، لَيْئِمٌ = سرزنش شده».

۴- ولی اگر پیش از همزه حرکت دار، ساکن باشد با توجه به حرف مناسب با حرکتش نوشته

می‌شود: «يَسْأَلُ، يَلُؤْمُ، يَيْسُسُ».

نکته: گاهی «همزه» در «مَسْئَلَةٌ» و «مَسْئُولٌ» با کرسی یاء نوشته می‌شود در صورتی که شایسته

است «همزه» با کرسی «الف» در اولی (مسألة) و با کرسی «واو» در دومی (مسؤول) بیاید.

۵- هرگاه «همزه» میان «الف» و «یاء» بیاید می‌توان آن را پیش از ضمیر (ی) متکلم وحده

بدون کرسی و یا با کرسی «یاء» نوشت: «الرَّاءِی وَ الرَّائِی، بَقَاءِی وَ بَقَائِی»، البته بهتر است با کرسی

یاء بیاید.

۶- ولی اگر «همزه» میان «الف» و ضمیری به جزء «ی» متکلم وحده بیاید دو حالت دارد: الف - اگر «همزه»، مکسور یا مضموم باشد با توجه به حرکت خود نوشته می‌شود: «بَقَاؤُهُ وَ بَقَائِهِ».

ب - اگر «همزه»، مفتوح باشد بدون کرسی می‌آید: «بَقَاءُهُ»
نکته: اگر «همزه»، میان دو «الف» بیاید بدون کرسی نوشته می‌شود؛ زیرا به هنگام نوشتن، سه «الف» با هم می‌آیند؛ مانند: «قِرَاءَاتٌ».

۷- اگر «همزه» در آخر کلمه قرارگیرد:

الف - و پیش از آن حرف ساکن باشد «همزه» بدون کرسی می‌آید: «جُرُؤٌ، صَوُؤٌ = نور».
ب - ولی اگر پیش از آن ساکن نباشد با توجه به حرکت حرف پیش از خود نوشته می‌شود، مانند: «جَرُؤٌ = دلیر شد، قَرَأٌ، صَدِيٌّ = آهن زنگ زد».

ولی اگر «همزه» در آخر و پس از آن «ة» تأنیث بیاید:

الف - اگر پیش از همزه، حرف صحیح ساکنی باشد «همزه» با کرسی «الف» می‌آید: «تَشَاءُ = بزرگ شدن».

ب - اگر پیش از همزه، حرف صحیح حرکت‌داری باشد «همزه» با توجه به حرف مناسب با حرکت پیش از خودش نوشته می‌شود: «فِئَةٌ، لُؤْلُؤَةٌ».

ج - ولی اگر پیش از همزه، حرف عله باشد پس از «یاء» با کرسی یاء و پس از «الف» و «واو» بدون کرسی می‌آید: «حَطِيئَةٌ، قِرَاءَةٌ، مُرْوَةٌ». با «الف» مؤنث نیز چنین حکمی دارد: «مَلَأَى = پر، سُوءَى = بد».

۳-۳- حذف همزه قطع و وصل

همزه دو نوع است:

۱- همزه وصل (أ): آن است که در آغاز کلام خوانده می‌شود ولی در میان کلام و جمله خوانده نمی‌شود؛ مانند: «إِجْلِسْ يَا رَجُلٌ» وَ «يَا رَجُلٌ اجْلِسْ؛ لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ». نشانه همزه اول، «ص» کوچکی است. در اصل: «وَصَلَ ← صِلَةٌ ← ص (بزرگ) ← ص (کوچک می‌شود)».

۲- همزه قطع (أ): آن است که هر جای جمله بیاید خوانده می‌شود، مانند: «أَكْرَمُ يَا رَجُلٌ، رَجُلٌ

أَكْرَمُ، فِيهَا أَرْوَاحٌ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ، إِسْلَامٌ». (گفته می شود نشانه همزه قطع، «ء» در اصل «الف» شکسته است).

«همزه» در موارد زیر حذف می شود:

الف - باید همزه قطع از اسم جلاله حذف شود: «إِلَآةٌ - إِلَّاةٌ - إِلَآهٌ - إِلَآهٌ - إِلَآهٌ - إِلَآهٌ».

ب - باید همزه وصل بویژه از «بِسْمِةِ» حذف شود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

یادآوری: نباید همزه وصل بی مورد حذف شود؛ زیرا در زبان عربی هر حذف و اضافه ای باید با دلیل باشد. بنا بر این (بسمه تعالی) بدین گونه درست نیست بلکه درست آن «بِاسْمِ تَعَالَى» است. بر خلاف «بِسْمِ» در سوره مبارکه (اقْرَأْ) که «بِاسْمِ رَبِّكَ ...» نباید حذف شود.

ج - همزه وصل «أَبِنْ» هرگاه در بعضی حالت ها میان دو اسم خاص قرارگیرد، مانند: «حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ» و همچنین همزه «أَلْ» پس از لام جز نیز باید حذف شود: «لِ + الرَّجُلِ - لِرَجُلٍ - لِلرَّجُلِ» وگرنه همزه وصل حذف نمی شود؛ مانند: «يَا أَبْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا أَبْنَ الْحَسَنِ».

نکته: همزه وصل مکسور یا مضموم را پس از همزه پرسشی می توان حذف کرد، مانند: «أَتَنْصَرَّتْ؟» در اصل: «أَأْتَنْصَرَّتْ؟» هم چنین همزه استفهام از آغاز کلمه ای که با همزه شروع شود نیز حذف می گردد؛ مانند: «أَأَنْتَ - أَنْتَ أَبْنُ فُلَانٍ؟».

۳-۴ - روان خوانی همزه

در موارد زیر اعلال همزه صورت می گیرد؛ بنا بر این باید برای روان خوانی «همزه» بدین گونه نوشته شود و گر نه نگارش کلمه نادرست خواهد بود:

۱- اگر همزه ساکنی پس از همزه حرکت دار بیاید برای روان خوانی، «همزه» به حرف مدّ تبدیل می شود. در این صورت پس از همزه مفتوح، به الف، مانند: «آتَى، آمَنُوا، آخِرَةٌ»، پس از همزه مضموم؛ به واو: «أوتى، أودوا» و پس از همزه مکسور، به یاء: «إيتاء، إيمان»، تبدیل می شود. این کار، روان کردن «همزه» برای خواندن، «تَلْهِين» نامیده می شود.

نکته نخست: اگر همزه اولی وصل باشد همزه دومی به هنگام خواندن جمله به حالت اول برمی گردد؛ زیرا همزه وصل در این موقع از بین می رود، مانند: «فَاتَى بِالْكِتَابِ وَ أَدْنَى لِي»

بِقِرَاءَتِهِ».

نکته دوم: هر گاه همزه ساکن پس از حرفی غیر از «همزه» بیاید، بیشتر به مدّ تبدیل می‌شود؛ مانند: «رَأْسٌ وَ شَوْمٌ وَ ذَيْبٌ» و یا می‌توان آن را به حال خود باقی گذاشت: «رَأْسٌ (سر)، شَوْمٌ (بدبینی)، ذَيْبٌ (گرگ)»

۲ - هر گاه همزه مفتوح پس از همزه مفتوح یا مضموم بیاید باید به «واو» تبدیل شود: «أَوَادِمٌ جمع آدمٌ، أَوِيدِمٌ تصغیر آدمٌ».

نکته نخست: اگر همزه مفتوح پس از حرف مضمومی و یا مکسوری غیر از «همزه» بیاید می‌توان آن را پس از مضموم به «واو» و پس از مکسور به «یاء» تبدیل کنیم: «مُوقَّتٌ ← مُوقَّتٌ، مُوجَّلٌ = به تأخیر افتاده ← مُوجَّلٌ»، «رِئَاءٌ ← رِیَاءٌ، ذِئَابٌ = ج. ذِئْبٌ، گرگ ← ذِیَابٌ».

نکته دوم: هر گاه دو همزه در دو کلمه (ولی پشت سر هم) بیایند، مانند: «أَأَنْتُ» سه راه در پیش است:

الف - حذف یکی از آنها برای روان خوانی؛

ب - به ندرت هر دو می‌توانند باقی بمانند؛

ج - آوردن الفی میان آن دو؛ مانند: «آَأَنْتُ».

۳ - اگر همزه حرکت دار آخر کلمه پس از «واو» یا «یاء» ساکن بیاید، بهتر است پس از «واو» به واو، و پس از یاء به «یاء» تبدیل و با حرف پیش از خود ادغام شوند: «الْوَصْوُوءُ ← الْوَصْوُوءُ، الَّتَبِيءُ ← الَّتَبِيءُ، الرَّزِيئةُ ← الرَّزِيئةُ» بر خلاف «سُوءٌ، سَيءٌ» که آوردن «همزه» در آنها بهتر است.

۴ - هر گاه لازم باشد در کلمه‌ای اعلال و ادغام با هم صورت گیرد اولویت با ادغام است، مانند: «أَأَمَّةٌ ← أَمَّةٌ» پس حرکت میم اول به همزه ساکن منتقل و هر دو میم ادغام شده و آنگاه «همزه» به یاء تبدیل می‌شود هر چند می‌توان آن را نیز به همان حالت باقی گذاشت.

۵ - حرف شرط «إِنْ» جدا نوشته می‌شود. بنا بر این نوشتن (إِنْشَاءَ اللّٰه) درست نیست. بلکه درست آن (إِنْ شَاءَ اللّٰه) است. حذف همزه قطع (مَا شَاءَ اللّٰه) نیز درست نیست بلکه درست آن «مَا شَاءَ اللّٰه» است.

۴ - چگونه روشمند حرکت گذاری کنیم؟

همان گونه که پیش از این یادآوری شد زبان عربی از دید نوشتاری و حرکت گذاری در زمره سخت ترین زبان های جهان است. درست نویسی و درست حرکت گذاری نیز از بخش های سخت زبان عربی به شمار می رود. با بررسی متون عربی گوناگون نوشتاری و حتی گفتاری، بارها به کلمه ها، جمله ها و عبارت هایی برمی خوریم که اصول نگارش و دستور زبان عربی رعایت نشده است. البته به نظر می رسد پیشینیان ما شیوه ای را در نوشتن زبان فارسی بر می گزیدند که ویژگی های دستوری و نگارشی زبان عربی را نداشته باشد و از به کار بردن آنها پرهیز می کردند. از این روست که برخی مؤلفان و نویسندگان معاصر می کوشند به پیروی از آنها هر گونه قاعده صرف و نحوی برگرفته از زبان عربی را از زبان فارسی دور نمایند؛ ولی نتوانسته و نخواهند توانست. زیرا افزون بر پیوندهای فرهنگی، دینی و... جامعه فارسی زبان افراط و تفریط را بر نمی تابد. پس بهتر آن است که همه راهکارها مورد بررسی قرارگیرد تا زبان فارسی بیشتر شکوفا گردد و از هر گونه پیراستگی نابخردانه و آراستگی نابهنجار جلوگیری شود.

بایسته است نکته های ذیل به هنگام حرکت گذاری رعایت گردد تا به خوبی چارچوب و استاندارد زبان مبدأ حفظ شود. بنا بر این به مؤلفان، نویسندگان، خطاطان، ویراستاران و همه دست اندرکاران نگارش متون عربی پیشنهاد می گردد پیش از آغاز کار خود، دوره روش درست نگارش و حرکت گذاری روشمند متون عربی را زیر نظر استادان کار آزموده، فرهیخته و متخصص رشته زبان و ادبیات عربی بگذرانند.

زبان آموز فارسی به خوبی می داند و تجربه نیز نشان داده است هر کس نتواند متن عربی را درست و علمی حرکت گذاری کند، نخواهد توانست آن را نیز درست و روان بخواند. حتی گاهی به خاطر حرکت نداشتن واژگان، آنها را اشتباه می خوانیم. مانند: «صَعْبُ الْعِلَاجِ» را که «صَعَبُ الْعِلَاجِ» می خوانیم. هر چند به راحتی می توان «سَخْتُ دَرْمَانِ یا دَرْمَانِ سَخْتُ» را جایگزین کرد که هم فارسی است و هم به آسانی خوانده می شود.

۴-۱ - حرکت گذاری همه حروف یا حرکت گذاری آخر کلمه فقط؟

پژوهشگر لازم می داند در اینجا به اصطلاح های مهمی به نام «التَّشْكِيلُ، الإِشْكَالُ، وَضْعُ الشَّكْلِ»

اشاره گردد که همگی معادل فارسی «حرکت گذاری همه حروف کلمه» است. متأسفانه برخی آنها را با اصطلاح «الإعراب» اشتباه می‌گیرند. در صورتی که «الإعراب» حرکت آخر کلمه با توجه به نقش آن در جمله است. ولی «التشکیل، الإشکال، وَضْعُ الشَّكْلِ»، حرکت گذاری همه حروف یک کلمه است تا مخاطب بتواند آن را درست تلفظ کند. پس نویسنده در این مقاله تلاش دارد روش و سبک درست حرکت گذاری را که مبنای علمی بر اساس صرف و نحو عربی دارد، به خوانندگان منتقل نماید.

۴- ۲- تبدیل ساکن به حرکت

اصل بر این است که هر کلمه‌ای جدای از کلمه دیگر نوشته شود ولی این چارچوب در موارد زیر رعایت نمی‌شود:

۱- اگر دو حرف ساکن در دو کلمه جدا، ولی پشت سر هم بیایند ساکن اول خوانده نمی‌شود (حرف ساکن هنگام خواندن حذف می‌گردد): «تَابِعًا الْأَمِيرِ ← تَابِعَ الْأَمِيرِ، قَاضِي الْمَدِينَةِ ← قَاضِ الْمَدِينَةِ».

۲- اگر دو ساکن پشت سر هم بیایند که ساکن اول حرف صحیح باشد و نتوان هیچ یک را حذف کرد، ساکن اول مکسور می‌شود: «أَصْرِبُ الْعَبْدَ ← أَصْرِبِ الْعَبْدَ، لَا تَمْدُدُ الْيَدَ ← لَا تَمْدُدِ الْيَدَ».

نکته نخست: اگر دو ساکن پشت سر هم بیاید و ساکن اول حرف عله با حرکت ناهمجنس باشد ساکن اول با حرکتی هم جنس با خودش حرکت دار می‌شود: «لَا تَنْسُوا ← لَا تَنْسُوا الْمَعْرُوفَ، لَا تَحْشَى ← لَا تَحْشَى الْعَارَ».

نکته دوم: اگر دو حرف ساکن پشت سر هم بیایند و ساکن اول حرف «ذال»، مانند: «مُدُّ» یا پس از ضمیر مخاطب یا هاء غایب مضموم آمده باشد حرف ساکن اول نیز مضموم می‌شود، مانند: «مُدُّ الْيَوْمِ وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ هُمْ الْقَضَاةُ وَ مِنْهُمْ الْحُكَّامُ» و اگر ضمیر مکسوری پیش از میم بیاید می‌توان ساکن اول را مضموم یا مکسور کرد: «يَهْدِيهِمْ إِلَهُ وَ بِهِمُ النِّجَاةُ».

نکته سوم: هرگاه «مِن» پیش از اسم دارای «ال» بیاید نون ساکن مفتوح می‌شود؛ مانند: «خَرَجْتُ مِنَ الْبَيْتِ ← خَرَجْتُ مِنَ الْبَيْتِ» و اگر نون تأکید خفیفه باشد گاهی حذف می‌شود،

مانند: «لَا تُهَيِّنُ الْفَقِيرَ ← لَا تُهَيِّنُ الْفَقِيرَ = به فقیر بی ادبی مکن».

۴-۲- حرکت‌گذاری معیار

رعایت شیوه صحیح حرکت‌گذاری متون عربی در يك نوشته موجب سادگی، آسان‌خوانی و درست نویسی می‌شود. همچنین، رعایت این موارد کمک می‌کند تا بتوان به آسانی با مخاطب ارتباط برقرار کرد و به کمک شیوه‌ای یکدست از دوگانگی پرهیز می‌شود. حرکت‌گذاری متون عربی بنا بر معیارهای ذیل است:

۱- رعایت نکته‌های صرف و نحو عربی؛

۲- رعایت استقلال واژگانی؛

۳- هم‌خوانی نوشتار با گفتار؛

۴- روان‌خوانی و روان‌نویسی؛

۵- گزینش بهترین شکل نوشتاری؛

۶- انعطاف‌پذیری؛

۷- چشم‌نوازی و زیبایی.

موارد حرکت‌گذاری معیار:

۱- دو نقطه زیر یاء گذاشتن؛ (ی ← ی). مانند: «الَّذِي (غلط) = الَّذِي (درست)، تَجْرِي (غلط) = تَجْرِي (درست)».

۲- حرکت کسره پیش از یاء؛ (ی ← ی): برخی زیر یاء، «الف» کوتاه می‌آورند که معلوم نیست از کجا «الف» زیر یاء می‌آید. پس زیر «یاء» هیچ حرفی و حرکتی نمی‌آید، مانند: «الَّذِينَ (غلط) = الَّذِينَ (درست)، قِيلَ (غلط) = قِيلَ (درست)، الرَّحِيمَ (غلط) = الرَّحِيمَ (درست)، بَنِي إِسْرَائِيلَ (غلط) = بَنِي إِسْرَائِيلَ (درست)، الرَّكْعَيْنِ (غلط) = الرَّكْعَيْنِ (درست)».

۳- حرکت فتحه پیش از الف مقصوره: (نا، ی): برخی پیش از الف مقصوره، «الف» کوتاه می‌آورند که معلوم نیست این «الف» از کجا می‌آید؛ مانند: «كُلُّ (غلط) = كُلًّا (درست)، التَّوَابُ (غلط) = التَّوَابُ (درست)». «الف» در زبان عربی به دو گونه نوشته می‌شود: (ا، ی)، مانند: «الدُّنْيَا، الفَتَى، الهدى».

یادآوری مهم: روی الف مقصوره هیچ چیز نمی آید بلکه پیش از آن فتحه یا تنوین نصب می آید؛ مانند: «هُدًى، الهُدًى، عَلًى، أُبًى، قُلُنَا، لَا».

۴ - حروف دو نوعند:

الف - شمسی: هرگاه «أل» بر سر این حروف بیاید لام «أل» خوانده نمی شود و تشدید روی حرف شمسی گذاشته می شود، مانند: «أَلٌ + صَالَاةٌ ← أَلْصَّالَاةُ ← أَلْصَّلَاةُ، أَلٌ + سَبِيلٌ ← أَلْسَبِيلٌ ← أَلْسَبِيلٌ، أَلٌ + طَاغُوْتُ ← أَلطَّاغُوْتُ ← أَلطَّاغُوْتُ».

ب - قمری: اگر «أل» بر سر این حروف بیاید «لام»، ساکن و خوانده می شود و آن حرف قمری هیچ تغییری نمی کند. پس باید نشانه سکون روی لام «أل»، پیش از حرف قمری قرارگیرد، مانند: «أَلٌ + كِتَابٌ ← أَلْكِتَابُ، أَلٌ + مُلْكٌ ← أَلْمُلْكُ، أَلٌ + عَذَابٌ ← أَلْعَذَابُ».

۵ - همزه وصل بی شمار و بی قاعده است. مثلاً «همزه» در ماضی، مضارع، امر و مصدر باب های مزید - به جزء باب افعال - وصل است؛ مانند: «فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَعْفَرَ، لِمَنْ أَنْتَقَى».

ولی همزه قطع کمتر و باقاعده است. موارد همزه قطع به شرح زیر است:

الف - باب افعال (ماضی، مضارع، امر و مصدر)، مانند: «أَكْرَمٌ، أُكْرِمُ، أَكْرِمُ، إِكْرَامٌ»

ب - جمع مکسر: «أَشْجَارٌ، أَفْضَلٌ»

ج - فعل مضارع (متکلم وحده): «أَكْتَبُ، أَجْلِسُ»

د - صفت بر وزن أفعل: «أَكْبَرُ، أَسْوَدٌ»

هـ - «همزه» جزء خود کلمه باشد: «أَخَذُ، إِبْرَاهِيمُ»

همزه وصل فقط در آغاز کلمه می آید؛ مانند: «الْكَرْسُولُ، ابْتِدَاءً، اسْتِغْفَارًا، انْقِلَابًا». ولی همزه ی قطع در آغاز، میان و پایان کلمه قرار می گیرد؛ مانند: «أَذِنَ، سَأَلَ، قَرَأَ».

۶ - قراردادن حرکت ضمّه پیش از واو (و): مانند: «الطَّاغُوْتُ، يَدْعُو»

۷ - گذاردن کسره زیر تشدید؛ (ء): مانند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ».

۸ - قراردادن تنوین نصب پیش از الف مقصوره: (ء، ى)، مانند: «سَجَدًا، قَوْلًا، فَتًى، صَالِحًا».

یادآوری: تنوین نصب روی «الف» یا پس از آن نمی آید. بنا بر این نگارش تنوین نصب در

«کتاباً، کتاباً» درست نیست.

۹- حرکت کلمه مقصور، پیش از (ی، ا) گذارده می‌شود. بنا بر این گذاشتن الف کوچک، ﴿ق﴾ بر روی الف مقصوره درست نیست؛ مانند: ﴿إِلَى، عَلَى، عَسَى، أُخْرَى، أَدَى، يَرْضَى، هُدَى، مُسَمَّى﴾.

۵- نتیجه‌گیری

زبان‌آموز فارسی بهتر از دیگری می‌داند هر چند انشای سست، نارسا، مبهم و دور از فصاحت و بلاغت عیب شمرده می‌شود ولی چون نویسندگی هم مانند شاعری به استعداد و طبع ذاتی شخص بستگی دارد، باز می‌توان انشا نویس را بخشود ولی گناه نگارش نادرست و حرکت گذاری ناهمگون بخشودنی نیست زیرا ویرایش متن اکتسابی، به دست خود انسان و از هر کار دیگری آسان‌تر است. انسان با پشتکار و دقت به‌خوبی می‌تواند زشتی و نادرستی را در وجود خود از میان بردارد و درست و سالم بنویسد. در کشورهای بسیاری ممکن است متن رسانه‌های گفتاری و نوشتاری - حتی مجازی - سخیف، تهوع آور، دروغ و بی‌مزه باشد، اما کمتر اتفاق می‌افتد در آنها درست نویسی و املاي واژگان رعایت نشود زیرا به اندازه‌ای غلط‌املايي و حرکت گذاری نادرست برای قلم به دست ننگ و عار شمرده می‌شود که همه تلاش خود را به عمل می‌آورد تا مرتکب این گونه غلط‌ها نشود و آبروی خود را در جامعه حفظ کند. کمتر متنی به زبان عربی را می‌توان پیدا کرد که در آن، همه موارد آمده در این مقاله رعایت شده باشد. زیرا متأسفانه تاکنون اهمیت لازم بدان داده نشده است. بنابراین بیشتر نویسندگان، خطاطان و مؤلفان روشی تقلیدی، سنتی و نادرست را در پیش گرفته‌اند و روش علمی و دانشگاهی را برنمی‌تابند.

اما جای بسی شگفتی است که برخی از قلم به دستان جامعه ما هر روز در نوشته خود مرتکب ده‌ها غلط‌انشایی، املايي و حرکت گذاری می‌شوند و مورد طعنه و ریشخند خاص و عام دیگران می‌گیرند ولی به روی خود نمی‌آورند و به هیچ روی در پی گزیر و چاره‌ای برای عیب‌زدایی برنمی‌آیند.

آنگاه که رسانه‌ها شبانه روز بارها در اخبار و دیگر برنامه‌های خود به فراوانی موارد گفته شده را رعایت نمی‌کنند چه انتظاری از افراد عادی جامعه باید داشت! شاید همین ساده‌انگاری‌ها و شلختگی‌های تکراری زبانی سبب شده است تا موضوع گفته شده مورد بی‌توجهی مردم و مسئولان

گردد. البته منظور پژوهشگر از طرح این موضوع کلمه‌های دخیل عربی در زبان فارسی نیست بلکه نگارش و حرکت‌گذاری متون عربی در لا به لای متون فارسی است. گزافه‌گویی نیست که رعایت نکردن نکات این نوشتار نیز به زبان فارسی لطمه می‌زند.

باید موضوع این مقاله در فهرست موضوع‌های آموزش زبان فارسی قرارگیرد و کار آموزش درست‌نویسی کلمه‌ها و حرکت‌گذاری روشمند، خواندن و نوشتن درست و استاندارد متون عربی را در نهادهای آموزشی آغاز کرد. البته ناگزیر باید از شیوه‌ای پیروی شود که از یک سو به آسان‌نویسی، درست‌خوانی و حرکت‌گذاری روشمند کمک کند و از سویی دیگر هیچ‌گزندی به زبان شیرین فارسی نرساند. زیرا جا افتادن کاربردهای نادرست بسیاری از واژه‌ها و عبارتها در میان فارسی‌زبانان، زبان مقصد را دچار آسیب جدی می‌کند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور (بی تا)، «لسان العَرَب»، لبنان، بیروت، دار صادر.
۳. ابن هشام الأَنْصاری (۱۴۱۲ ق)، «مغنی اللبیب»، چاپ پنجم، قم، مکتبه سید الشهداء.
۴. بدیع یعقوب (۱۹۸۸ م)، امیل، «موسوعه النحو الصّرف و الاعراب»، لبنان، بیروت دار العلم للملایین.
۵. پورجوادی (۱۳۷۵ ش)، نصرالله، «درباره ویرایش: برگزیده مقاله‌های نشر دانش (۱)»، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ ۳.
۶. تقیه، محمد حسن (۱۳۸۸ ش)، «متون عربی کلیله و دمنه (حرکت گذاری، ترجمه، ترکیب و معانی واژگان)»، تهران، انتشارات پیام نور.
۷. حسن، عباس (بی تا)، «التَّحْوُ الوافی»، الطَّبعة الثالثة، دار المعارف بمصر.
۸. الدَّحاح، أنطوان (۱۹۹۶ م)، «معجم لغة التَّحْوِ العَرَبی»، الطَّبعة الثانية، بیروت، مکتبه لبنان، ناشرون.
۹. سیبویه، عمرو بن عثمان (۱۴۰۸ ق)، «الکتاب»، القاهرة، مکتبه الخانجی.
۱۰. شرتونی، رشید (۱۳۹۰ ش)، «مبادئ العَرَبیة ج ۴»، ترجمه و شرح محمد حسن تقیه، انتشارات نوید شیراز.
۱۱. صلح جو، علی (۱۳۸۹ ش)، «نکته‌های ویرایش»، نشر مرکز، چاپ ۳.
۱۲. فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۵ ش)، «املاء، نشانه گذاری، ویرایش»، مصحح: خلیل خطیب رهبر - صفی علیشاه - چاپ ۲.
۱۳. قانعی فرد، عرفان (۱۳۷۶ ش)، «دمی با قاضی و ترجمه»، سنندج، نشر ژیار.
۱۴. نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۴ ش)، «غلط نویسیم»، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۵ - وفایی، عباسعلی، (۱۳۹۱ ش)، «دستور تطبیقی، فارسی - عربی»، تهران، ناشر: سخن.